

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۸ اگست ۲۰۲۳

شرکاء و نوکران داخلی امریکا در احیای مجدد طالب!

(۳)

پنجشنبه - ۲۶ اسد ۱۴۰۲ - کابل: ما در قسمت قبلی این نگاشته نیروهائی را که بالقوه و یا هم بالفعل توان جنگیدن با طالب را داشتند دیدیم و همچنین تذکر دادیم که امپریالیسم غرب در کل، این نیرو را که از یک سو متعرض ترین و وحشی ترین بخش اسلام سیاسی را می ساخت و خاصاً برای تطبیق سیاست های تهاجمی غرب در قلمرو شوروی معدوم به وجود آورده بودند، از یک سو نمی خواست آنها را با آن ناتوانی های ویرانگر و در موجودیت مخالفان بالقوه و بالفعل در قدرت نگه دارند و از جانب دیگر از بین ببرند، در نتیجه زمانی که مصمم شدند تا این نیروی سرکوبگر را برای مدتی قسمی از قدرت کنار بگذارند که از یک سو مقدمات و تمهیدات لازم را جهت آوردن مجدد شان اتخاذ نمایند و از جانب دیگر در طی زمان توان و نیروی مخالفان بالفعل و باقوه آنها را به صفر ضرب بزنند تا حین برگرداندن مجدد، هیچ گونه اعتراض و مخالفتی علیه آنها صورت نگیرد، تطبیق سیاست هائی را روی دست گرفتند که بدون آنها نمی توانستند به اهداف شان برسند، که ذیلاً بدانها اشاراتی خواهیم داشت.

۱- در زمینه نظامی: همان طوری که استاد "موسوی" بار ها در نگاشته هایشان تذکر داده اند و متأسفانه از طرف هیچ فرد و یا نهاد دیگری مورد توجه قرار نگرفت، امپریالیسم امریکا، روی کار آوردن مجدد طالب و احیای طالبیسم را از همان نخستین روز حمله بر افغانستان یعنی هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ در برنامه کاری خود داشت و جهت تحقق آن گامهای عملی لازم را نیز برداشت. از جمله در زمینه نظامی به جای عملیات "محاصره و سرکوب" توسل به عملیات نوع "تار و مار" کردن و حتا آنها را در برخی از مناطق- یکی از برجسته ترین نمونه ها قندوز- از خشم مردم عوام که از جنایات طالب در ۵ سال حاکمیت شان به جان آمده بودند و می خواستند با آن گروه و ظن فروش و جلاذ انتقام جویانه تصفیه حساب و برخورد نمایند، با ارسال هلیکوپتر ها و ظاهراً زندانی ساختن شان نجات دادن- بیانگر آن بود که امپریالیسم امریکا می خواهد برای آینده این سگان زنجیری اش را از خطر صیانت نماید.

آنها به این هم اکتفاء ننموده، در حالی که بعد از سال ۲۰۰۵ میلادی با ترتیب جنگهای زرگری بین خودشان و به اصطلاح نیروهای طالب، آنها را از یک سو مسلح می ساختند و حتا با هلیکوپتر و تحت حمایت خودشان به مناطقی از شما افغانستان انتقال می دادند- مسأله ای که گند آن چنان بالا گرفت که حتا "کرزی" این سگ وفادار امپریالیسم امریکا نیز ناگزیر به ابراز مخالفت با آن شد- و هم زمان با تسلیح به آنها اعتبار و اتوریته مبارزاتی می بخشیدند و از جانب

دیگرا مصرف صد ها میلیون دالر، زیر عنوان پروژه خلع سلاح، ملت را که در طی بیش از ۲۰ سال دفع تجاوز روسها و مبارزه علیه نوکران شان، حد اقل صاحب سلاح خفیف شده بودند، با خریدن اسلحه شان خلع سلاح نمود. یعنی از یک سو طالب را برای آینده با انواع اسلحه مسلح و آموزش می داد و از جانب دیگر سلاح دست داشته مردمان عادی و مخالفان مسلح طالب را با سوء استفاده از فقر و درماندگی مردم، با قیمت های گزاف خرید نمود.

امپریالیسم امریکا و شرکاء بدان وسیله قادر شدند در ازای خلع سلاح مردم، چند سلاح فروش بی آزر از قماش "خلیلی، دوستم، عطا" و بقیه را پولدار ساخته تا مغز استخوان به نوکری خود غرق بسازد.

۲- در زمینه سیاسی: امپریالیسم امریکا و شرکاء جهت رویکار آوردن مجدد طالب و نظام ملاسالار و زدن رقبای بالفعل و بالقوه آنها فعالیت شان را در زمینه سیاسی عمدتاً در ابعاد آتی متمرکز ساختند:

*- با آوردن تقریباً تمامی جواسیس تکنوکرات از خارج بازی سیاسی جدیدی را در افغانستان اشغالی آغاز نمودند که با تأسف اولاً کمتر کسی عمق آن را احساس می نمود و در ثانی اگر احساس هم می کرد، منافع اقتصادی سرشاری که دخول در آن بازی به همراه داشت اراده مبارزه علیه آن را تضعیف می نمود. آن بازی یا بازی ها عمدتاً "دموکراسی بازی" از تشکیل نهاد های بی بنیادی چون "جامعه مدنی"، "حقوق بشر"، "تشکل احزاب سرکاری و علنی"، "انجو ها"، "رسانه های به اصطلاح آزاد"، "مبارزه پارلمانی و شرکت در انتخابات"، "اتحادیه های شکلی و نام نهاد"، در برخی موارد تشویق و ترغیب "هرزگی های لیبرالی" و... فضائی را به وجود آورد که با تأسف اکثریت شبه روشنفکران جامعه را در غیاب سازمانها و احزاب متعهد، انقلابی و پیشاهنگ پرولتری به زائیده بی مقدار اشغالگران مبدل کرد؛

*- همزمان با تکنیک "دموکراسی بازی"، تهاجم گسترده اش را با سیل دالر نیز آغاز نموده، فضائی را به وجود آورد که در تمام احزاب و سازمانی های وابسته به اسلام سیاسی حتا به اصطلاح نیروهای چپی، دالر و کسب آن حرف اول را زده، برای هر فرد این اطمینان به وجود آید که اگر از مرکزیتش قطع رابطه کند، می تواند مستقلاً به میلیونها دالر و قدرت دست یابد. نمونه برجسته آن را می توان در چند پارچه شدن حزب وحدت- جناح خلیلی، جناح محقق، جناحی که جمعی از آنها جنبش روشنائی را به وجود آوردند، جناح سرور دانش-، در جمعیت اسلامی- بخش برادران مسعود، بخش صلاح الدین ربانی، بخش عطا محمد نور، بخش اسماعیل خان، بخش پسر مسعود و... همین سان در باند های "گلبدین"، "دوستم" و از همه بیشتر "خلق و پرچم" نیز انشعابات را تشویق و تقویت نمود که از آن مخالفان بالفعل که می توانستند مقابل طالب ایستادگی نمایند و بعد از سقوط "امارت اسلامی طالب" خود در رأس حاکمیت قرار داشتند و به صد ها هزار میل تفنگ و انواع اسلحه در اختیار داشتند، به جز چند روباه فراری چیزی باقی نماند.

در همین جای باید بیفزایم که روند تجزیه تنها به نیروهای ضد انقلابی و داعیان اسلام سیاسی محدود نمانده، دامنش را در داخل نیروهای انقلابی نیز پهن نمود. تنها تفاوتی که در اینجا وجود دارد در نیروهای انقلابی به خصوص در بین "سازمان رهائی" و "ساما" نیروهای انقلابی که عمدتاً در صفوف و کادر های پائینی قرار داشتند، علیه رهبری های طرفدار امپریالیست شان که می خواستند کلیت آن سازمانها را نیز به زائیده امپریالیسم مبدل سازند، قیام نموده، محصول آن در "سازمان رهائی"، تولد "سازمان انقلابی افغانستان" و در "ساما" طرد و اخراج رهبری "پروامپریالیست" آن سازمان به غرض صیانت از دامن پاک سازمان بود.

بیجا نخواهد بود بیفزایم، هر چند انگیزه های انشعابات در تمام احزاب، سازمانها و نهاد ها یکسان نبود به خصوص در دو نهاد چپ، از موضع دفاع از خط انقلابی رهبران جانباز آن صورت گرفته بود، مگر نتیجه تمام انشعابات از بین رفتن توان مادی بالفعل و بالقوه مخالفان راست و چپ طالب بود. مسأله ای که در نهاد های چپی مسؤولیت مستقیم آن

متوجه رهبران پرو امپریالیست هر دو نهاد بوده، می توان آنها را بدون تعصب، به مثابه مجریان سیاست ویرانگر و برده ساز امپریالیسم امریکا در پیشگاه تاریخ معرفی کرد.

*- امپریالیسم امریکا و شرکاء جهت زدودن اعتبار کذائی و ناحقی که جهادی ها بین مردم به دست آورده بودند، تنها با دادن دالر به خود شان و قیچی کردن ریش و یا زدن نکتائی توسط آنها اکتفاء ننموده، با استفاده از تضاد بین به اصطلاح بقایای چپ و اسلام سیاسی تا توانستند، علیه جنگسالار ها و کلیت اسلام سیاسی در حالی تبلیغ نمودند که منفعت کلی آن را صرف خودشان و طالب به نفع شان مصادره کردند.

این حرکت یعنی افشاء و زدن اسلام سیاسی از جانب به اصطلاح "چیپی" و تجرید نیروهای اسلام سیاسی از مردم و آنها را در محراق نفرت همگانی قرار دادن، فقط زمانی می توانست مورد حمایت و تقدیر قرار گیرد که منفعت آن را توده های میلیونی کشور و فرزندان پیشاهنگ آن تصاحب می نمودند نه این که حاصل کار آنها را امپریالیسم به نفع خود و به نفع طالب و نظام ملاسالار مصادره می نمود که کرد و در عمل زمینه آوردن مجدد طالب را بدون نگرانی از رقباء حنا رقبای ارتجاعی فراهم ساخت.

ادامه دارد.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!